

بررسی تطبیقی تصویر حیوانات در اشعار کودک و نوجوان تد هیوز و

عباس یمینی شریف

شایسته ابراهیمی*

دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی
واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

پروین سلاجقه**

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب: ۹۴/۱۱/۲۷)

چکیده

امروزه ادبیات کودک و نوجوان با توجه به مفهوم کودکی، در مطالعات علوم انسانی جایگاهی ویژه یافته است. شعر کودک نیز یکی از شاخه‌های این گونه از ادبیات است. بررسی این اشعار می‌تواند برای شاعران کودک و نوجوان راهگشا باشد و به پیشرفت کیفی این ژانر ارزشمند کمک کند. موضوع این مقاله بررسی اشعار کودک و نوجوان تد هیوز و عباس یمینی شریف است. دلیل انتخاب این شاعران مشابهت‌هایی است که در زمینه استفاده از مضامین طبیعت‌گرایانه، بخصوص به کارگیری شخصیت حیوانات، در آثارشان دیده می‌شود. این پژوهش دو بخش دارد: بخش نظری که بر آراء نظریه‌پردازان مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی تکیه دارد و بخش کاربردی که شامل تحلیل اشعار تد هیوز و عباس یمینی شریف و ذکر شواهد است. از آنجا که در مکتب امریکایی، صرف وجود شباهت می‌تواند زمینه یک پژوهش تطبیقی باشد و همچنین ادبیات تطبیقی امریکایی نوعی مطالعات فرهنگی است، هدف اصلی این پژوهش نیز، شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها و دستیابی به چشم‌اندازی از شعر کودک و نوجوان بخصوص با موضوع حیوانات، در دو کشور ایران و انگلستان است.

واژه‌های کلیدی: شعر کودک و نوجوان ایران، اشعار حیوانات، تد هیوز، عباس یمینی شریف، شعر کودک و نوجوان انگلستان، مکتب امریکایی، ادبیات تطبیقی.

* E-mail: sh.ebrahimi83@gmail.com

** E-mail: salajeghe@gmail.com: نویسنده مسئول و استاد راهنما

۱- مقدمه

نیمه دوم قرن هفدهم را می‌توان به عنوان نقطه شروعی در تاریخ ادبیات کودکان در جهان در نظر گرفت، آن هم به دلیل چاپ کتاب‌هایی نظیر *دنیای قابل مشاهده* در تصویر^۱ (۱۹۵۴) نوشته جان آموس کمینوس^۲ که در آن کودک را به صورت موجودی مستقل بررسی می‌کرد و یادگاری برای کودکان^۳ اثر جیمز جانوی^۴ (۱۶۷۱)، که داستان زندگی‌های مقدس و مرگ‌های لذت‌بخش چندین کودک بود. یکی از علت‌هایی که آغاز این نوع ادبی، در متون تاریخ ادبیات، قرن هفدهم در نظر گرفته شده این است که در این دوره زمانی کتاب‌هایی منتشر شدند که به طور خاص برای کودکان نوشته شده بودند. تا قبل از این زمان، کتاب‌های کودکان گلچین‌هایی استخراج شده از میان متون بزرگسالان بودند.

از نیمه دوم قرن هجدهم میلادی با رونق یافتن اندیشه‌های متفکرانی نظیر جان لاک^۵ و ژان ژاک روسو^۶ دوران کودکی اعتبار و ارزش یافت و به صورت بخشی ارزشمند از زندگی انسان شناخته شد. نظریات لاک دعوتی بود برای تولیدکنندگان کتاب تا جاهای خالی را پر کنند و علاوه بر کتاب‌های تعلیمی و سرشار از آموزه‌های مذهبی و اخلاقی کتاب‌های متفاوتی نیز برای کودکان بنویسند. جان نیوبری^۷، که از طرفداران نظریه لاک بود، اولین ناشر تخصصی کتاب‌های کودکان است. نیوبری هم نویسنده بود، هم ناشر و هم کتابفروش. او در ابتدای دهه ۱۷۴۰، در لندن فروشگاه‌های گشود و شروع کرد به نشر و فروش کتاب‌های کوچک جیبی مخصوص کودکان؛ بنابراین، می‌توان گفت ادبیات مدرن کودکان در اواسط قرن هجدهم در انگلستان متولد شد.

از آن دوران تا به امروز، ادبیات کودکان و نوجوانان به صورت پدیده‌ای جدی و مستقل در غرب شناخته می‌شود که همواره در مسیر تحول، نوآوری و پیشرفت قرار داشته است تا جایی که امروزه نقد و نظریه‌های ادبیات کودکان و نوجوانان شاخه‌ای پویا در پژوهش‌های دانشگاهی است. اما ادبیات مستقل کودکان در ایران تقریباً صدوپنجاه سال بعد از غرب شکل گرفت؛

1. *The Visible World in Pictures*

2. John Amos Comenius

3. *A Token for Children*

4. James Janeway

5. John Locke

6. Jean-Jacques Rousseau

7. John Newbery

اولین کتاب‌های ویژه کودکان در ایران در حدود سال ۱۳۰۰ به همت جبار باغچه‌بان چاپ شد. شعر کودک نیز یکی از شاخه‌های ادبیات کودکان و نوجوانان است «تا میانه قرن هجدهم بیشترین اشعار سروده شده برای کودکان، تعلیمی و جدی بود که به صورت سرودها و تمثیل‌هایی با نکات اخلاقی در لابه‌لای دروس آن‌ها می‌آمد. اوایل قرن نوزدهم، تعداد قابل توجهی از اشعار سروده شده برای کودکان در پی سرگرم کردن آنان بود تا تعلیم آن‌ها؛ اشعاری شاد درباره اعمال تخیلی حیوانات مورد پسند واقع شد؛ لالایی‌ها و تعبیری از عشق بین مادر و پدر و کودک در شعر نمایانگر شد... در دهه ۱۹۷۰ یک تغییر تدریجی ولی کامل به وقوع پیوست و شعر به فضای شهری منتقل شد... پیشرفت اخیر دیگر در این زمینه شناسایی خود کودکان به عنوان شاعر است» (سلاجقه، ۱۳۸۷، ۳۰ و ۳۱).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود شعر کودک در ایران در مقایسه با غرب، مؤخر است، در ادبیات کلاسیک ایرانی اشعاری را می‌توان یافت که موضوع آن‌ها کودک و کودکی است یا حتی خطاب به کودکان و نوجوانان و اغلب به منظور تربیت آنان سروده شده‌اند، اما شعر کودک و نوجوان به مفهوم امروزی و به صورت پدیده‌ای مستقل و جدی بعد از جریان مشروطه، در ایران شکل گرفت. از پیشگامان شعر کودک در ایران می‌توان از جبار باغچه‌بان، عباس یمینی شریف، حسین گل‌گلاب، پروین دولت‌آبادی و محمود کیانوش نام برد. از بین این شاعران، عباس یمینی شریف که از پایه‌گذاران و پیشگامان شعر کودک در ایران است برای مقایسه با تد هیوز، شاعر کودک برجسته انگلیسی، انتخاب شده است. در زندگی و آثار این دو شاعر نکاتی دیده می‌شود که زمینه را برای مقایسه تطبیقی آثارشان فراهم می‌کند؛ هیوز شاعر طبیعت و حیوانات است و در بین شاعران کودک آن دوره در ایران یمینی شریف را نیز می‌توان به علت بسامد بالای موضوع حیوانات و توجه به پدیده‌های طبیعت در اشعارش، شاعر طبیعت و حیوانات نامید، علاوه بر این‌ها عباس یمینی شریف و تد هیوز هر دو در یک دوره‌ی زمانی می‌زیستند و نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که طول عمر این دو شاعر نیز، به طور تقریبی، یکسان است و هر دو با بیماری سرطان از دنیا رفته‌اند.

۲- چارچوب نظری

ادبیات تطبیقی نوعی پژوهش میان‌رشته‌ای است که به مطالعه رابطه ادبیات ملت‌های مختلف با هم و بررسی رابطه ادبیات با علوم انسانی و هنرها می‌پردازد. ادبیات تطبیقی دو مکتب بنیادین دارد: مکتب فرانسوی و مکتب امریکایی.

۲-۱- مکتب فرانسوی

فرانسه را زادگاه ادبیات تطبیقی می‌دانند. مهم‌ترین ویژگی مکتب فرانسه، تاریخ‌گرایی است. رابطه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز از اصول این مکتب است. رویکرد تاریخی و توجه به تأثیر و تأثر در مکتب فرانسوی به نوعی تلاشی است برای نشان دادن برتری و اصالت یک فرهنگ و ادبیات بر فرهنگی دیگر. «ژان ماری^۱ کاریه، پژوهشگر برجسته ادبیات تطبیقی در فرانسه، ادبیات تطبیقی را چنین تعریف می‌کند: ادبیات تطبیقی به بررسی پیوندهای آثار ادبی و نویسندگان ملل مختلف و کشف منابع الهام‌بخش آنها می‌پردازد. ادبیات تطبیقی به بررسی ارزش هنری آثار ادبی نمی‌پردازد، بلکه بیشتر به دگرگونی‌هایی توجه دارد که یک ملت یا یک نویسنده در آثار دیگر ملت‌ها ایجاد می‌کنند. در واقع واژه تأثیرپذیری، غالباً به معنای تفسیر و تأویل، واکنش و پایداری یا ستیز است» (سیدی، ۱۳۹۰، ۵). بنابراین، به نوعی می‌توان گفت مکتب فرانسوی در پی یافتن سرچشمه‌های مضامین و نشانه‌های مشترک و مبدأ و مقصد آنها و نحوه انتقالشان از فرهنگ و سرزمینی به فرهنگ و سرزمینی دیگر است. در واقع «نظریه پردازان فرانسوی، ادبیات تطبیقی را شاخه‌ای از تاریخ ادبیات به حساب می‌آورند و وظیفه پژوهشگر ادبیات تطبیقی را بررسی روابط ادبی بین فرهنگ‌های مختلف _ عمدتاً بین فرهنگ فرانسه و سایر فرهنگ‌ها _ می‌دانند. این مکتب که تحت تأثیر پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) قرن نوزدهم اروپاست بر ارائه مستندات و مدارک تاریخی اصرار می‌ورزد و هرگونه مطالعه تطبیقی را مشروط به اثبات رابطه تاریخی بین دو فرهنگ مورد نظر می‌داند. از دیدگاه مکتب فرانسوی اثبات روابط تاریخی بین آثار ادبی که به زبان‌های مختلف نگاشته شده‌اند، شرط مسلم و قطعی ورود به عرصه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی است» (انوشیروانی، ۱۳۸۹، ۱۳).

۲-۲- مکتب امریکایی

«مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی پس از جنگ جهانی دوم با سخنرانی رنه ولک^۲ در دومین کنگره بین‌المللی ادبیات تطبیقی، که در سال ۱۹۵۸ در دانشگاه کارولینای شمالی برگزار گردید، پا به عرصه پژوهش‌های ادبی نهاد. این مکتب، علاوه بر مطالعه ارتباطات ادبی بین فرهنگ‌های مختلف، ادبیات تطبیقی را در ارتباط تنگاتنگ با سایر رشته‌های علوم انسانی و هنرهای زیبا

1. Jean-Marie Carré

2. René Wellek

مانند تاریخ، فلسفه، ادیان، زبان‌شناسی، روان‌شناسی، پیکر تراشی، جامعه‌شناسی، نقاشی، سینما، موسیقی و سایر هنرها می‌بیند» (همان).

از منظر رویکرد امریکایی صرف وجود شباهت بدون توجه به پدیده‌های تاریخی و سیاسی، می‌تواند زمینه یک پژوهش تطبیقی باشد، «در این مکتب برخلاف مکتب فرانسه به روابط میان ادبیات مختلف بر مبنای اصل تأثیر و تأثر توجهی نمی‌شود. آنچه در این مکتب اصالت دارد، اصل تشابه و همانندی است. ادبیات تطبیقی امریکایی نوعی مطالعات فرهنگی است و علاوه بر آن بیشتر به نقد ادبی نزدیک‌تر است تا بررسی تاریخی پدیده‌های ادبی» (سیدی، ۱۳۹۰، ۱۵ و ۱۶). همچنین در این مکتب به ویژگی‌های ادبی و ادبیت یک اثر توجه می‌شود؛ یعنی تمام ویژگی‌هایی که در یک اثر ادبی شناخته می‌شوند و زمینه را برای یک پژوهش ادبی فراهم می‌کنند. «بررسی مضمون (تم)، مایه غالب (موتیف) و تیپ (نوع شخصیتی) حوزه‌ی دیگری را در پژوهش‌های ادبیات تطبیقی تشکیل می‌دهد. لذا مضامین و مایه‌های غالبی همچون فلسفه زندگی، تولد، مرگ، حقیقت‌طلبی، جستجو و طلب خوشبختی و سعادت، عدالت، زیبایی، عشق و محبت و طبیعت و ... را می‌توان با استفاده از روش تطبیقی در آثار ادبی ملل مختلف مورد مطالعه قرار داد» (انوشیروانی، ۱۳۸۹، ۲۶).

در این مقاله نیز با این رویکرد، مضامین طبیعت‌گرایانه با تکیه خاص بر عنصر حیوانات در اشعار کودک و نوجوان تد هیوز و عباس یمینی شریف مقایسه شده‌اند؛ تمرکز ویژه بر خود آثار ادبی بوده است، بدون در نظر گرفتن تأثیر و تأثر. این مقاله سعی دارد به دیدگاه‌های مشترک و متفاوت این دو شاعر بپردازد با در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌هایی که در محیط تولد و زندگی و اندیشه‌هایشان دیده می‌شود و در اشعارشان انعکاس یافته است تا در نهایت به چشم‌اندازی از شعر کودک بخصوص با موضوع حیوانات در این دو فرهنگ دست یابیم. همان‌طور که «یکی از اهداف مکتب امریکایی رسیدن به حقایق انسانی بر پایه معماری ادبی متجلی در ادبیات انسان‌ها در هر زمان و مکان است» (شرکت مقدم، ۱۳۸۸، ۶۲).

۳- تصویر حیوانات در اشعار کودک و نوجوان تد هیوز

ادوارد جیمز هیوز^۱ شاعر طبیعت است و شهرت او برای شعرهایش با موضوع حیوانات است. «او بیش از یک هزار شعر، کتاب کودکان، مقالات و چند اثر برای تئاتر منتشر کرد، اما

1. Edward James "Ted" Hughes (1930-1998)

اشعار او دربارهٔ حیوانات است که احتمالاً مشهورترین آثار او هستند؛ اشعاری که به نظر می‌رسد از حیوان، روی کاغذ موجود زنده‌ای می‌سازند» (عطایی، ۱۳۸۰، ۳۲). هیوز در منطقهٔ یورکشایر^۱ در انگلستان متولد شد و رشد کرد؛ این منطقه، کوهستانی بود و طبیعتی بکر داشت و در علاقهٔ او به سرودن دربارهٔ طبیعت و حیوانات مؤثر بوده است. خواندن آثار هیوز ورود به جهان تحت تسلط طبیعت، خاصه حیوانات، است. هیوز در مصاحبه‌اش با مجلهٔ پاریس ریویو^۲ دربارهٔ تأثیر دوران کودکی بر شاعری‌اش می‌گوید: «شاید مهم‌ترین چیز این باشد که من نخستین سال‌های زندگی‌ام را در دره‌ای در یورکشایر غربی در شمال انگلستان سپری کردم که یک خیابان طولانی مملو از شهرک‌های صنعتی، کارخانه و تولیدی‌های نساجی بود. دهکدهٔ کوچکی که من در آن متولد شدم جمعیت اندکی داشت. وقتی خودم را شناختم بیشترین علاقه‌ام به حیوانات وحشی بود. خاطرات من در وهلهٔ اول اسباب‌بازی‌های حیوانی بود که در آن روزگار در بازارها یافت می‌شدند، این حیوانات به طور شگفت‌آوری مدل‌های دقیقی بودند. من در ایام کودکی آنها را جمع می‌کردم. برادری داشتم که در سن ده سالگی به تیراندازی علاقه‌مند بود، رؤیای برادرم این بود که یک شکارچی یا شکاربان در آفریقا باشد. او با تفنگ به تپه‌ها و دامنه‌های بوته‌زارها شلیک می‌کرد. نخستین خاطرات من در سه سالگی همراه شدن با او و یافتن شکار بود. او همچنین بسیار خیالاتی بود، مانند سرخپوستان امریکای شمالی و انسان‌های عصر پارینه‌سنگی جهان شکارگری خود را اسطوره‌پردازی می‌کرد و من نیز در رؤیاهای او زندگی می‌کردم. تا سن هفده و هجده سالگی تیراندازی، ماهیگیری و مشغولیت‌های اولیه‌ام با حیوانات جدای از کتاب تقریباً تمام زندگی‌ام بود» (هیوز، ۱۹۹۵). به گفتهٔ خودش او با طبیعت پیوند خورده است و خودش را از طبیعت و حیوانات جدا نمی‌داند: «من فکر می‌کنم که آنها از اول همراه من بوده‌اند، همچون پدر و مادر. چون هفده یا هجده سال نخستین زندگی‌ام را کمابیش دربارهٔ آنها اندیشیده‌ام، آنها به یک زبان تبدیل شدند، یک زبان نمادین که زبان کل زندگی من نیز بود. این چیزی نبود که من در دانشگاه یاد گرفته باشم یا در سی سالگی برایم اتفاق افتاده باشد، بلکه از ابتدا بخشی از ساز و کار ذهن من بوده است. در اصل، طبیعت و حیوانات راهی برای اتصال همه‌ی احساسات ژرف من به یکدیگر بوده‌اند» (همان).

1. Yorkshire

2. paris review

سرشت شاعرانه هیوز چنان با طبیعت پیوند خورده است که حتی وقتی می‌خواهد شعر را تعریف کند آن را به گونه‌ای از حیوانات تشبیه می‌کند: «گمان من این است که من تا حدودی شعر را یک گونه حیوان می‌پندارم. آنها، مانند حیوانات، زندگی‌های خاص خود را دارند، که مقصودم از زندگی‌های خاص این است که شعرها از هر شخصی متمایز هستند، حتی از نویسندگانشان و جز با معیوب کردن یا حتی نابود کردن آنها نمی‌توان چیزی بر آنها افزود یا از آنها کاست. شاید دغدغه من نه احاطه بر حیوانات به طور خاص باشد و نه بر اشعار، بلکه تسلط بر چیزهایی باشد که بیرون از ذهن من حیات درخشانی مخصوص خودشان دارند» (هیوز، ۱۹۶۷، ۹ و ۱۰).

زندگی هیوز در پانزده سالگی متحول شد و نگرش او درباره‌ی حیوانات تغییر کرد، هیوز خود در این باره می‌گوید: «من حدود پانزده سالگی سعی داشتم همه راه‌ها را برای درک حیوانات، پرندگان و ماهی‌ها امتحان کنم و وقتی شور و حرارتم به تدریج رو به کاهش نهاد شروع به نوشتن شعر کردم» (همان، ۹). از گفته هیوز این چنین برداشت می‌شود که وقتی از شکار حیوانات خسته شد، سعی کرد آن‌ها را به شیوه‌ی خاص خود روی کاغذ به دام بیندازد. گویا هیوز از اینکه مدت‌ها حق حیات را از حیوانات گرفته است احساس گناه می‌کرده و تصمیم گرفته است که پس از این زندگی حیوانات را از منظر خود آنها نظاره کند. او این دو علاقه خود را چنین توضیح می‌دهد: «شما ممکن است بپندارید این دو علاقه، یعنی به دام انداختن حیوانات و نوشتن شعر هیچ اشتراکی ندارند، اما من هر چه بیشتر به گذشته می‌اندیشم بیشتر مطمئن می‌شوم که دو علاقه‌ام در واقع یکی بوده است» (همان).

مجموعه اشعار هیوز برای کودکان و نوجوانان به ترتیب سال پدید آمدنشان عبارت‌اند از: با قوم و خویش‌های من آشنا شوید^۱ (۱۹۶۱)، نسی هیولای بی‌قاعده^۲ (۱۹۶۴)، جغد زمین و سایر مردم ماه^۳ (۱۹۶۴) که بعدها در سال ۱۹۷۶ با عنوان وال‌های ماه چاپ شد، آهنگ‌های فصل^۴ (۱۹۷۵)، وال‌های ماه^۵ (۱۹۷۶)، زنگ‌های ماه^۶ (۱۹۷۸)، زیر ستاره شمالی^۷ (۱۹۸۱)،

1. *Meet My Folks*
2. *Nessie, The Mannerless Monster*
3. *The Earth-Owl and Other Moon-People*
4. *Season Songs*
5. *Moon-Whales*
6. *Moon-Bells*
7. *Under the North Star*

کیف پر سر و صدا^۱ (۱۹۸۲) و مجموعه تکمیلی اش کیف مدرسه^۲ (۱۹۹۷)، حقیقت چیست؟^۳ (۱۹۸۴) گریه و فاخته^۴ (۱۹۸۷) و دارایی پری دریایی^۵ (۱۹۹۳)، علاوه بر اینها مجموعه اشعار حیوانات هیوز دوباره با عنوان گرگ آهنی^۶ نیز چاپ شده‌اند.

مجموعه‌های با قوم و خویش‌های من آشنا شوید، زیر ستاره شمالی، دارایی پری دریایی، حقیقت چیست؟ و گریه و فاخته به طور خاص مجموعه اشعار حیوانات او برای کودکان و نوجوانان هستند و دیگر مجموعه‌های شعر او نیز اگرچه به طور خاص مجموعه اشعار حیوانات نیستند، اما موضوع قسمت اعظم اشعارشان حیوانات هستند و ردپای حیوانات در آنها آشکارا دیده می‌شود. در این پژوهش، تمام این مجموعه‌ها بررسی شده‌اند؛ به جز کتاب با قوم و خویش‌های من آشنا شوید که به همت «روحی افسر» به فارسی ترجمه شده، هیچ یک از مجموعه‌های شعر هیوز برای کودکان به فارسی ترجمه نشده است؛ بنابراین، برای انجام این پژوهش از متن اصلی استفاده کرده‌ایم و نمونه‌هایی که در این پژوهش آمده‌اند نیز ترجمه نگارندگان مقاله است.

۳-۱- حیوانات انسانی

انسان‌هایی که شخصیت حیوانی دارند یکی از تصویرهایی هستند که هیوز از حیوانات در اشعار خود می‌سازد. تمام شخصیت‌های کتاب با قوم و خویش‌های من آشنا شوید، که داستانی منظوم و نیز نخستین مجموعه شعر هیوز است، از این گونه‌اند. در این کتاب، هیوز به انسان‌ها شخصیتی کاملاً حیوانی داده است، برای مثال در اولین شعر، راوی، خواهر خود را چنین معرفی می‌کند:

«خواهر من یک پرنده است، پرنده پرنده / آخر چه فایده که دیگران بدانند خواهرم یک کلاغ خیلی خیلی گنده است / ما که جرئت نمی‌کنیم او را به مدرسه بفرستیم / او هر روز جوراب‌های آبی ضخیمش را به پا می‌کند / تا پاهای سوزنی کلاغی‌اش توی ذوق

1. *The Rattle Bag*
2. *The school Bag*
3. *What Is the Truth?*
4. *The Cat and the Cuckoo*
5. *The Mermaid's Purse*
6. *The Iron wolf*

زند/ بعد یک کلاه‌گیس فرفری روی سرش و یک عینک دودی بزرگ روی چشمش
می‌گذارد / تا نگاه‌های زل زده کلاغی‌اش را مخفی کند» (هیوز، ۱۳۸۵، ۱۲ و ۱۳).

یا در شعری دیگر از همین کتاب مادر بزرگ و اقوام او را به صورت موجودات دریایی
توصیف کرده است:

«مادر بزرگ من یک هشت‌پاست توی اعماق دریا / بعضی از عموزاده‌های مادر بزرگ
من خرچنگ‌های دریایی‌اند/ که با چنگک‌هایشان بیسکویت‌ها را تکه‌تکه می‌کنند» (همان،
۲۳ و ۲۴).

در این اشعار هیوز در حال مقایسه کردن دنیای حیوانات و انسان‌ها و یافتن نقصی در
دنیای انسان‌ها نیست؛ بلکه از حیوانات صرفاً به صورت ابزاری برای توصیف افراد استفاده
می‌کند؛ او تخیلش را به کار می‌گیرد تا اثری بدیع بیافریند. هیوز کلیشه‌ها را می‌شکند و به
جای آنکه طبق سنت به کار رفته در اغلب آثار ادبی به حیوانات شخصیت انسانی بدهد، به
انسان‌ها شخصیت حیوانی می‌دهد؛ احتمالاً نسبت دادن جنبه‌ای از رفتار حیوانی به یک انسان
در فرهنگی که هیوز در آن رشد یافته است و می‌نویسد دلیل بر تحقیر انسان نیست یا اگر
هست هیوز به آن بی‌اعتناست و در پی تغییر این نگرش است.

«آثار او به انسان مدرن کمک می‌کنند که هویت خود را به عنوان انسان و حیوان
دریابد چراکه هیوز معتقد است انسان مدرن هویت حیوانی خود را در عمیق‌ترین لایه‌های
وجودی‌اش درک می‌کند اما به آن بی‌اعتناست. او می‌خواهد این دو طبیعت انسانی و
حیوانی را کاملاً با هم ترکیب کند» (یودی، ۲۰۰۷، ۹۸).

این نوع توصیف، همچنین طنزی شیرین را در تمام اثر پراکنده است که نه تنها برای
کودکان، بلکه برای خوانندگان بزرگسال نیز جذاب است. به نظر چارلز تاملینسون،^۱ شاعر،
منتقد و مترجم انگلیسی «در آثار پخته هیوز درون‌مایه‌های آگاهی نسبت به طبیعت و دل‌بستگی
به جهان جانوران، با آنچه که به نظر می‌رسد نوعی نمادپردازی مردم‌شناختی باشد، پیوند
خورده است» (قاسمی، ۱۳۷۹، ۲۸).

۲-۳- حیوانات مزرعه

هیوز در بسیاری از مجموعه‌های اشعار حیوانات خود، از حیوانات اهلی و حیوانات مزرعه سخن می‌گوید. او تصویری غیر احساسی اما محبت‌آمیز از حیوانات مزرعه ارائه می‌کند. بخش زیادی از کتاب حقیقت چیست؟ را این گروه از حیوانات تشکیل داده‌اند. کتاب مذکور داستان بازدید خدا در ساعت دو بامداد از یک جامعه روستایی است که از روستاییان می‌خواهد هر یک، حیوانی را که به خوبی می‌شناسند، توصیف کنند و در ادامه، روستاییان اشعاری درباره حیوانات مزرعه و نیز جانوران وحشی می‌خوانند. در کتاب ترانه‌های فصل نیز تعدادی از حیوانات مزرعه موضوع اشعار شاعر هستند. گربه و فاخته نیز بر توصیف حیوانات اهلی و وحشی ساکن در روستاهای بیلاقی انگلستان تمرکز دارد. هنگام خواندن شعرها این طور به نظر می‌رسد که شاعر از زاویه دید یک انسان، حیوانات را توصیف نکرده است بلکه خود را در جایگاه حیوانات قرار داده و آنچه در ذهن حیوانات می‌گذرد را برای خوانندگان آشکار کرده است. او به دلیل زندگی روستایی و نزدیکی زیادش با حیوانات، آنها را دارای شعور توصیف می‌کند و شعرهایش به خوانندگان می‌آموزد که حیوانات نیز مثل انسان‌ها زندگی مخصوص به خودشان را دارند. هیوز برای اینکه به این هدف نزدیک شود حیوانات را با حالت‌های انسانی توصیف می‌کند تا برای خواننده بیشتر قابل درک باشد همچنین او با این نوع توصیف در پی بالا بردن جایگاه و ارزش حیوانات در نگاه انسان‌ها نیز هست؛ برای نمونه او گوسفند مزرعه را هنگامی که برای اصلاح پشم‌هایش آماده می‌شود مثل یک جنتلمن توصیف می‌کند که کت و شلوار سیاه و سفیدی به تن دارد و آماده مراسم رسمی روز یکشنبه است یا او را با پشم‌های انبوه و سفیدش به لباس خواب آراسته‌ی یک عروس تشبیه می‌کند:

«درست از لحظه‌ی شروع، او بهترین لباسش - سیاه‌ها و سفیدهایش - را می‌پوشد /

یک کت و شلوار روز یکشنبه‌ها، یک لباس خواب آراسته‌ی عروسی، ایستاده در کاه و

فضولات...» (هیوز، ۱۹۶۷، ۱۳).

البته هیوز «نه تنها دنیای حیوانات را در اشعار خود به تصویر کشیده است بلکه به عنوان شاعری متفکر افکار فلسفی خود را نیز در قالب اشعار حیوانات عرضه کرده است» (یودی، ۲۰۰۷، ۹۵). به عنوان نمونه او در شعری با عنوان «مرغ» در کتاب حقیقت چیست؟ از این حیوان مزرعه استعاره‌ای می‌سازد برای وجود انسان مدرن و شهرنشین، با هدف بیان عقاید منفی خود پیرامون زندگی صنعتی و تمدن که انسان‌های امروز درگیر آن شده‌اند. شعر با این عبارات آغاز می‌شود:

«مرغ، خاک را ستایش می‌کند / او خدا را در همه جا می‌بیند / و سنگ‌های
گران‌بهایش را در هر جایی می‌یابد و اهمیتی نمی‌دهد که کلم چه فکری می‌کند» (هیوز،
۲۰۱۰، ۲۳۸).

در این شعر، مرغ استعاره از انسان کارگری است که اسیر دست سرمایه‌داران است تا دستمزدی ناچیز برای گذران زندگی از آنان دریافت کند در حالی که اصل وجود خود و حقیقت زندگی‌اش را که با طبیعت بکر پیوند دارد، از یاد برده است؛ همان‌طور که کشاورز مرغ را با فریب دانه و آشیانه به اسارت خود درآورده است و از وجود او برای منافع مادی‌اش بهره می‌برد در حالی که مرغ با ساده‌لوحی زندگی طبیعی خود را توهمی سنتی می‌پندارد و به حمایت همیشگی انسان‌ها ایمان آورده است:

«درحالی که چشمش به پاداش است
سرش را به حالت روحانی کج می‌کند برای یک قلاب بسیار قدرتمند و به درد بخور
قلابی که به او می‌فهماند
روباہ یک توهم قبیله‌ای و سنتی است
که تخم‌مرغ‌هایش انسان را برده‌ او خواهد کرد
و اینکه بهشت‌ها برای همه هشداردهندگان هنوز اتفاق نیفتاده‌اند» (همان).

«هیوز همواره به دنبال برقراری تعادل بین آگاهی اجتماعی انسان و فطرتش است،
فطرتی که به عقیده او به تدریج و با فرایند تمدن و صنعتی شدن در حال مرگ
است» (بودی، ۲۰۰۷، ۹۷).

۳-۳- حیوانات قطبی و موجودات دریایی

هیوز به طور جدی شاعر حیوانات است؛ او به صورت پراکنده از حیوانات سخن نمی‌گوید، بلکه آثارش با مضمون حیوانات، دسته‌بندی شده هستند؛ به عنوان نمونه، دو اثر دارد که در آن‌ها به طور خاص درباره‌ی گونه خاصی از جانوران سخن می‌گوید: زیر ستاره شمالی که فقط درباره حیوانات قطبی است و دارایی پری دریایی که در آن صرفاً به موجودات دریایی پرداخته است. در مجموعه‌ی زیر ستاره شمالی، وی حیوانات، پرنده‌گان و زمین قطب شمال را

توصیف می‌کند. به نظر می‌رسد شاعر در لابه‌لای این اشعار قصد دارد کودکان را با حیوانات قطبی آشنا کند، حیواناتی که کمتر در اطراف خود می‌بینند و حتی شاید هرگز از نزدیک با آنها برخورد نکنند. همچنین همانند دیگر اشعار حیواناتش، هیوز در زیر ستاره شمالی نیز به ارتباط انسان و طبیعت و حیوان می‌اندیشد. در این مجموعه او با به کار گرفتن طنز و همچنین طبق معمول با ساختن استعاره‌های حیوانی از انسان‌ها، عقایدش را بیان می‌کند. اشعار این مجموعه لحن طنزآلود خاصی دارند، شعر «گوزن‌های شمالی» یک نمونه از این مجموعه است. تمام خصلت‌ها و صفاتی که برای گوزن برمی‌شمارد مخصوص انسان هستند. به نظر می‌رسد هدف او توصیف احوال گنگ انسانی است که در دنیای مدرن سرگردان است:

«گوزن شمالی مسخره، در اطراف خانه راه می‌رود / در جنگل گم شده است / او دروغ می‌گوید / او اشتباه می‌کند / او می‌ایستد / با توده افکار استخوانی چسبیده نزدیک گوشش / دستانش را به طرف بالا دراز می‌کند تا هر آنچه ممکن است از آسمان در حال سقوط باشد، بگیرد / او تلاش می‌کند فکر کند» (هیوز، ۱۹۸۱، ۳۶).

۳-۴- نکوهش اسارت، آزار و شکار حیوانات وحشی

«هیوز بارها از علاقه خود به حیوانات وحشی سخن گفته و اعتراف کرده است که همواره دلش می‌خواست یکی از آنها را داشته باشد. او میل داشت زندگی حیوانات را در شرایط طبیعی‌شان درک کند: یعنی وحشیگری آنها، گرمای زنده بودنشان و در یک کلام روباه بودن روباه و خروس بودن خروس را» (شخوت، ۲۰۱۲، ۱۲). یکی از مضامینی که در اشعار حیوانات هیوز دیده می‌شود نکوهش آزار، شکار و اسارت حیوانات وحشی است. شعر «گورکن من، بس» که در ابتدای مجموعه حقیقت چیست؟ قرار گرفته است یکی از این نمونه‌هاست:

«درون قفس تنگ با گام‌های سنگینش عقب-جلو می‌رفت / بینی‌اش به طرق مختلف، تورهای قفس را لمس می‌کرد / تمام شب و هر شب در حال قدم زدن بود / او از گورکن‌هایی که در جنگل آزاد بودند آموخت که باید یک زندانی باشد» (هیوز، ۱۹۸۴، ۱۳).

و وقتی گورکن به جهان وحوش باز می‌گردد، او گورکن را به شکلی باشکوه و به صورت یک پادشاه توصیف می‌کند:

«در جنگلی که همه چیز از بلوط بود او برج و بارویش را ساخت / چهره او نام و نشان تبارش بود و او همان ردای خاکستری‌اش را به تن کرده بود/ گویی که هرگز در اسارت نبوده، گویی که هرگز چنین چیزی وجود نداشته/ گویی که فقط یک مُلک پادشاهی وجود داشته و او پادشاه-گورکنش بوده است»(همان).

هیوز چنان سخن می‌گوید که گویی اگر گورکن زبان داشت به آن شیوه سخن می‌گفت:

«مهم‌ترین چیز درباره گورکن نفرتش از روشنایی شهر بود/ یک جور خرخر خواب‌آلوده بامزه در سراسر روز با او بود/ کشتن یک گورکن، کشتن مادر بزرگ شماست/ یک گورکن را بکش دیگر ماه را در خوابت نخواهی دید/ حتماً همین‌طور خواهد شد/ آنها از تپه‌ها محو خواهند شد اما درون آدم‌ها کارهای بسیاری خواهند داشت»(همان، ۱۵ و ۶۰).

۳-۵- تکریم حیوانات و دعوت به پرهیز از نگاه تحقیرآمیز به آنان

پس از خواندن اشعار هیوز و شیوه هنرمندانه‌ای که او برای توصیف حیوانات به کار می‌گیرد، دشوار است بتوانیم حیوانات را به دلیل ظاهر آلوده‌شان از نگاه انسان‌ها، تحقیر کنیم یا اینکه حشره‌ای را به راحتی قبل نابود کنیم؛ موراگ استایلز^۱، استاد دانشگاه کمبریج و پژوهشگر برجسته شعر کودک در انگلستان، در این باره می‌گوید: «دلیل اینکه من دیروز یک مگس زمستانی را در آشپزخانه با ضربه سنگین مگس‌کش از پای دریاوردم، آن چیزی بود که هیوز درباره حشرات (و همین‌طور درباره گوسفند، کلاغ، ماهی قزل‌آلا، و گورکن) به من آموخته بود. مگس او یک سلطان آراسته شده و مجهز به سلاح‌های شاهانه است»(استایلز، ۱۹۹۹).

او به حیوانات از زاویه‌ای منحصر به فرد نگاه می‌کند؛ برای مثال، وقتی گاو را توصیف می‌کند به قسمتی از وجود او توجه می‌کند که همواره از نظر انسان‌ها منفور بوده است:

«یک سرگین گاو چیز خوبی است/ یک کیک شیرینی سیاه است برای

حشرات»(هیوز، ۱۹۸۴، ۲۲).

در واقع او می‌خواهد بگوید هر موجودی در این عالم جایگاهی دارد و وجودش سودمند است. یا در شعری دیگر با معرفی و توصیف مگس به صورت یک بازرس بهداشت سعی دارد تصویر کلیشه‌ای را که در ذهن خوانندگان از این حشره وجود دارد، تغییر دهد، او قدرت کلام و تخیل بی‌نظیر و مهارنشده‌اش را در انتهای شعر به کار می‌گیرد و با جسارت به مخاطب یادآوری می‌کند که اگر مگس وظیفه‌اش را انجام نمی‌داد، به باشکوهی و درخشش یک سلطان بود. تشبیهی بدیع که پیش از او هیچ شاعری جسارت بیان آن را نداشته است. در واقع او با این تشبیه، تأثیرگذارترین ضربه را می‌زند و خواننده را دچار عذاب وجدان می‌کند:

«در لباس کار مشک‌اش، با ماسک گازش / محفظه اکسیژنش / چنگکش / او هر جایی می‌تواند برود و خرابی را کشف کند / ضایعه را بیابد / او با گروه مسئولیت‌پذیرش / با لباس‌های بادی‌اش از هیچ چیز هراس ندارد / او با مردان کوچک‌اندام بادی‌اش / همه ضایعات، خاک‌روبه‌ها و مواد لزج را می‌رویند / اما این وظیفه اوست / بگذار همان‌طور باشد / بگذار روی دیوار همانجا بیاساید / زمان استراحت اوست / او وقتی تمیز شود، گوهری خواهد بود / یک سلطان به تازگی پیراسته شده، که شاهانه با زره فلزی‌ای به رنگ رنگین کمان آراسته شده است / یک شوالیه سوار بر اسبی تیره‌رنگ» (همان، ۷۰).

۳-۶- برقراری پیوند بین کودکان و طبیعت و رفع ترس‌های آن‌ها درباره حیوانات خانگی

هیوز در شعرهایش همواره می‌کوشد که مخاطب را به طبیعت برگرداند و به او یادآوری کند که طبیعت و حیوانات ارزشمندتر از زندگی امروزی و ماشینی هستند، مثل شعر «کار و بازی» از کتاب *ترانه‌های فصل که شأن و منزلت زندگی حیوانات را در مقابل حماقت رفتار انسان قرار می‌دهد:*

«پرستوی تابستان، تمام تابستان را زحمت می‌کشد / یک گره آبی تیره درخشان / شناگری که یک ماهی را در هوا شلاق‌زنان می‌قاقد / اما مار اتومبیل‌ها که در میان گرد و خاک می‌خزد / در دود آگروز سوسو می‌زند / در حال جستجو برای فرونشاندن هیجان خود در اقیانوس است / بازی خواهد کرد و بیهوده باشد یا نه، در هم می‌شکند» (هیوز، ۱۹۷۶، ۳۶).

او همچنین حیوانات وحشی و خانگی را به منظور رفع ترس‌ها و دغدغه‌های کودکان به آن‌ها معرفی می‌کند. شعر «گره» نمونه این گروه از اشعار است:

«تو به گریه‌ات نیاز داری / وقتی که ویران می‌شوی / از همه خستگی‌ها و دلمردگی‌های مردمان شهر، همه نیاز خواهند داشت / درون دست‌هایت / قدرت در جریان خواهد بود / قدرت حیواناتی که از جانب تو نادیده گرفته شده‌اند / و تو به خاطر گریه‌ات که بر زانوانت نشسته / شاداب و سرزنده خواهی شد / با خمیازه پلنگ‌وارش / با چرت زدن ببروارش» (هیوز، ب ۱۹۹۵، ۱۱).

همان‌طور که از انتهای این شعر پیداست او نمی‌گذارد خواننده فراموش کند که گریه، ریشه‌ای وحشی دارد؛ در واقع، هیوز همواره میل دارد زندگی حیوانات را در شرایط طبیعی درک کند.

مشاهدات او از حیات وحش، رئالیستی است و به نظر می‌رسد در این زمینه دنباله‌رو دی. اچ. لارنس^۱، شاعر و رمان‌نویس انگلیسی باشد که یک نسل پیش از هیوز می‌زیسته است. لارنس از نخستین شاعرانی است که به صورتی واقع‌بینانه و به دور از نگاه سمبلیستی به طبیعت و حیات وحش در اشعارش پرداخته است. میشل لاک‌وود^۲، از منتقدان اشعار کودک تد هیوز، نیز به این تأثیرپذیری معتقد است و در این باره می‌گوید: «برخی از به یادماندنی‌ترین اشعار هیوز برای کودکان و بزرگسالان یادآور پرندگان، جانوران و گل‌های مجموعه^۳ دی. اچ. لورانس است که هیوز نیز به خوبی آن‌ها را می‌شناسد» (لاک وود، ۲۰۰۹، ۳۰۲).

۳-۷- توصیف عرفانی از حیوانات

هیوز گاهی به صورتی بسیار باشکوه و با تعبیری عارفانه حیوانات را توصیف می‌کند؛ چنان‌که گویی انرژی روحانی طبیعت از دل این شعرها جاری شده است و به زندگی و تخیل خوانندگان خواهد رسید؛ برای مثال، به دنیا آمدن یک کره‌اسب را با چنین عبارات و تعبیر زیبایی وصف می‌کند:

«ناگهان او اینجاست - پشته‌ای از حرارت خاکسترها و خاکه ذغال، که کوران باد آن را نوازش می‌کند / ستاره‌ای که به بیرون فضا شیرجه می‌زند درون کهکشان زبانه می‌کشد و می‌سوزد / اکنون چیزی در اجاقدان جنب‌وجوش دارد / و ما آن را زایش یک حیوان می‌خوانیم» (هیوز، ۲۰۱۰، ۲۳۷).

1. D.H.Lawrence
2. Lockwood, Michael
3. *Birds, Beasts and Flowers* (1923)

یا وقتی که «باسترک»^۱ موضوع شعر اوست او را با آفتاب پیوند می‌زند:

«باسترک خالخالی / با جیغ بلندش / منقارش را در تاریکی می‌کوبد و آفتاب را از دل
آن بیرون می‌آورد / باسترک آواز می‌خواند / او شادی می‌کند سپس شب‌نم را می‌ساید و
صدای خود را در آن می‌شوید» (هیوز، ب ۱۹۹۵، ۲۸).

این تصویرسازی‌های زیبا و عارفانه ذهن خواننده را در دنیای تخیل به پرواز وامی‌دارند. او توجه مخاطبان جوان خود را به اتفاقاتی در دنیای حیوانات جلب می‌کند که تا کنون بی‌اهمیت پنداشته می‌شدند و بی‌شک به دنبال تغییر زاویه دید و نگرش آنان به حقیقت حیات است.

۳-۸- تصویر حیوانات در شعر نوجوان

مجموعه‌های زنگ‌های ماه و حقیقت چیست؟ مجموعه‌های نوجوان هیوز هستند، اما در واقع برای بسیاری از اشعار حیوانات هیوز نمی‌توان مرز بین شعر کودک و نوجوان را به درستی مشخص کرد. در شعر نوجوان، هیوز اغلب حیوانات را در دورنمایی پر رمز و راز قرار می‌دهد و از افسانه‌های قدیمی و کلاسیک بهره می‌برد یا از نیروهای جادویی طبیعت و حیوانات سخن می‌گوید؛ در واقع او در اشعار نوجوان خود نگاهی فلسفی و عرفانی دارد. شعر «طلسم» که در آن گرگ را در پیوندی متفاوت با طبیعت توصیف کرده است یکی از این نمونه‌هاست که به نوعی یادآور دیدگاه‌های شمنی است:

«درون دندان گرگ، کوه‌هایی از بوته‌زار / درون کوه‌هایی از بوته‌زار، خز گرگ / درون
خز گرگ، جنگل‌هایی خشن / درون جنگل‌های خشن، پای گرگ / درون پای گرگ، افقی
سنگی / درون افق سنگی، زبان گرگ / درون زبان گرگ، اشک خرگوش ماده / درون اشک
خرگوش ماده، مردابی یخ‌زده / درون مرداب یخ‌زده، خون گرگ / درون خون گرگ، باد
برفی / درون باد برفی، چشمان گرگ / درون چشمان گرگ، ستاره‌ی شمالی و درون
ستاره‌ی شمالی، دندان گرگ» (هیوز، ۱۹۸۷، ۱۸).

او شعر را از دندان گرگ شروع می‌کند و به دندان گرگ نیز ختم می‌کند. این حلقه، بیانگر نوعی دیدگاه فلسفی درباره تناسخ و و زمان حلقه‌وار است، همچنین او با توصیف گرگ با

۱. پرنده‌ای از تیره مگس‌گیران است.

استفاده از عناصر طبیعت سعی در یکی کردن روح گرگ و طبیعت داشته است، این طبیعت همان طبیعی است که انسان نیز با آن پیوند دارد. این باور، به عرفان سرخپوستی و شمنی نزدیک است. گویا او می‌خواهد با افسونی شاعرانه نیروهای روحانی طبیعت را به احاطه خود درآورد.

نمونه دیگر، شعری است با عنوان «الاغ»، او این حیوان را در دورنمایی مرموز و تاریخی و اساطیری توصیف می‌کند:

«الاغ من/ رنگی باستانی دارد/ به رنگ یک صحرای ماقبل تاریخ است/ جایی که خورشیدهای ماقبل تاریخ نابودگر و سوزان هستند/ تا چیزها را به گردی آبی فام تبدیل کنند/ او آنجا ایستاده و سرش را تکیه داده/ او به رنگ خاکستر آتشدان است و فردا صبح/ به رنگ صورتی رنگ و روی رفته درمی‌آید» (هیوز، ۱۹۸۴، ۵۶).

۴- تصویر حیوانات در اشعار عباس یمینی شریف

عباس یمینی شریف (۱۲۹۸-۱۳۶۸) در محله پامنار تهران متولد شد ولی دوران کودکی و نوجوانی اش در روستای دربند سپری شد. تأثیر زندگی و تحصیل و کار در روستا و پیوند نزدیک شاعر با طبیعت و حیوانات در آثارش مشخص است؛ تا جایی که توجه به عناصر طبیعت مثل گیاهان و حیوانات و بازگشت به طبیعت و ستایش زندگی روستایی از اصلی‌ترین مضامین اشعار عباس یمینی شریف هستند. «با یک نگاه گذرا موضوع اشعار یمینی شریف را در عناصر زیر می‌توان دید: پروانه، ماه، خورشید، صبح، روز، باران، تگرگ، برف، سایه، مادر، لاله، بنفشه، سنبل، سبزه، گل سرخ، سیزده بدر، هفت‌سین، عید، سرو، کاج، چنار، سیب و دریا. یمینی شریف با پرداختن به مضمون‌هایی از این دست همواره مخاطبان خود را به سوی طبیعت و صحرا فرا می‌خواند. زندگی‌ای که در اشعار یمینی شریف جریان دارد یک زندگی کاملاً روستایی است و در آن همواره صحبت از گله گاو و گله‌ی گوسفند و درو گندم و غروب ده و مانند آن‌ها می‌رود» (حسن‌لی، ۱۳۸۹، ۸۶).

یمینی شریف ده مجموعه شعر برای کودکان دارد به نام‌های آواز سوسک، آوای نوگلان، باغ نغمه‌ها، آواز فرشتگان، گل‌های گویا، گربه‌های شیپورزن، سرود گل‌ها، آه ایران عزیز، شعر با الفبا و نیم‌قرن در باغ شعر کودکان. در این پژوهش، تمام این مجموعه‌ها بررسی شده‌اند؛ بیشترین بسامد را در میان موضوعات شعری این چند مجموعه، اشعاری دارند که منحصرأ

درباره حیوانات هستند ولی در سایر اشعار با موضوعات دیگر نیز ردپایی از طبیعت و گیاهان و حیوانات دیده می‌شود.

۴-۱- شخصیت‌های کلیشه‌ای

حیوانات در اشعار کودک و نوجوان عباس یمینی شریف همان شخصیت‌های کلیشه‌ای‌اند که در ادبیات عامه و کلاسیک ایران و جهان ساخته شده و او اغلب حیوانات را با همان تصویری توصیف کرده است که در ناخودآگاه خود از حیوانات دارد و از همان یک بُعد به آنان نگاه کرده است؛ برای نمونه، وقتی کلاغ موضوع شعر اوست روی صدای قارقارش تمرکز می‌کند یعنی کلاغ را به صورت پرنده‌ای توصیف می‌کند که پرسپاه و پُر سر و صداست:

زاغی پر صدای من خیره سر بالای من
هر جا بابام کار می‌کنه قار می‌کنه قار می‌کنه» (یمینی شریف، ۱۳۸۷، ۷).

در اشعار او مورچه حیوانی بارکش و دانا است که برای زمستانش غذا می‌اندوزد:

مورم و دانه می‌برم دانه به لانه می‌برم
آسوده و بی‌دردسر آید زمستانم به سر» (یمینی شریف، ۱۳۲۴، ۲۷).

خروس پرنده‌ای است که صبح را خبر می‌دهد:

«من خروسم خوش خبر/ زد سفیده شد سحر
چشم‌ها را وا کنم/ بال‌ها بر هم زنم» (همان، ۴۵).

تصویر سگ در اشعار او سگ نگهبان است حتی عنوان شعری که درباره سگ سروده نیز «پاسبان خانه» است:

«واق واق واق من اینجام همیشه خانه می‌پام» (همان، ۵۱).

گربه، موش و ماهی شکار می‌کند:

«گربه من مثل شیره هم موش و هم ماهی گیره» (همان، ۵۵).

موش چیزها را می‌جود، خرگوش هویج می‌خورد، سگ به دنبال گربه و گربه به دنبال موش است:

| | |
|-----------------------------------|--------------------------|
| پارچه‌ها رو جوید باز | «گفتم به موشه چیز نجو |
| پرید هویج را زد گاز | گفتم به خرگوش گاز نزن |
| گفتم نخور خرگوش من | فی فی پرید خرگوش را خورد |
| گفتم نخور این موش من» (یمنی شریف، | پیشی پرید و موش را خورد |

۱۳۸۷، ۱۰).

پروانه همواره در کنار گل توصیف می‌شود:

| | |
|------------------|-------------------------------|
| «پروانه‌ی گلزارم | در باغ خانه دارم |
| با غنچه همنشینم | با گل همیشه یارم» (همان، ۱۲). |

کلیشه‌هایی که در آثار یمنی شریف مشاهده می‌شود در شعر تد هیوز نیست. در واقع هیوز از تخیل شخصی خود برای توصیف حیوانات کمک می‌گیرد و شخصیت‌های جدید خلق می‌کند؛ اما یمنی شریف از تخیل جمعی و کلیشه‌ای بهره می‌برد و از کاراکترها استفاده می‌کند؛ بنابراین، تخیل کودکان در مواجهه با آثار هیوز بیشتر تقویت می‌شود.

۴-۲- توصیف حیوانات در ارتباط با زندگی انسان‌ها

یمنی شریف برای توصیف حیوانات اغلب به پیوندشان با زندگی آدم‌ها می‌پردازد؛ در واقع او حیوانات را به تنهایی و در طبیعت در نظر نمی‌گیرد، بلکه همواره با توجه به نحوه حضور و تأثیرشان در زندگی انسان‌ها توصیفشان می‌کند. او همچنین از زبان خود حیوانات درباره آنان صحبت می‌کند؛ در واقع در اشعار او، حیوانات خودشان نقششان را در زندگی انسان‌ها بیان می‌کنند؛ برای نمونه:

سوسک در حمام انسان‌ها زندگی می‌کند:

«آوازه‌خوان خوشنام منم میان حمام» (همان، ۲).

پشه حشره‌ای است که شب‌ها در گوش آدم‌ها وز وز می‌کند و آن‌ها را می‌گزد:

| | |
|-----------------------|-----------------------------------|
| «من پشه‌ام وز وز وز | یک نیش دارم گز گز گز |
| خودم را شب لوس می‌کنم | روی تو را بوس می‌کنم» (همان، ۱۱). |

مرغ حیوانی است که برای انسان تخم می‌گذارد:

| | |
|-----------------------|--------------------------------|
| «قدقد قدا قدقد قدا | آی بچه‌ها آی بچه‌ها |
| این تخم را من کرده‌ام | با آن سفیده زرده‌ام |
| بازم اگر یاری کنید | خوبم نگهداری کنید |
| هر روز یک تخم قشنگ | تخمی درشت و پنبه‌رنگ |
| اینجا براتان می‌کنم | کردم صداتان می‌کنم» (همان، ۴). |

یادآوری شعر «مرغ» تد هیوز که پیش‌تر تحلیل شد، در این بخش، قابل تأمل است چرا که موضوع این دو شعر یکی است اما مضامینشان متفاوت است؛ هیوز با ظرافتی خاص مرغ را استعاره‌ای از وجود انسان در نظر گرفته و معتقد است که این حیوان اسیر دست انسان متمدن شده و از زندگی طبیعی خود دور مانده است. از نظر او وظیفه مرغ تخم گذاشتن برای انسان نیست و انسان متمدن در دنیای صنعتی این جایگاه نامناسب را برای او ساخته است؛ اما یمینی شریف دقیقاً در نقطه مقابل او قرار دارد و مرغ را به صورت حیوانی به کودکان معرفی می‌کند که برای انسان تخم می‌گذارد و مفید است. هیوز همواره در تلاش است وجود حقیقی حیوانات را به مخاطب بشناساند به همین منظور، چند قدم عقب‌تر از جایگاه انسان‌ها می‌ایستد سپس درباره حیوانات می‌نویسد.

یمینی شریف گاهی نیز حیوانات را با توجه به چگونگی ارتباطشان با عناصر طبیعت و سایر حیوانات توصیف می‌کند؛ برای مثال، برای توصیف گنجشک شکاری به جای پرداختن به خود حیوان، از چگونگی رفتار او با ملخ و مگس صحبت می‌کند: «از ترس تو ملخ شود مات لرزد ز ترس نوک‌هات» (یمینی شریف، ۱۳۵۰، ۳۲).

۴-۳- توصیف حیوانات به صورت انسان و شخصیت‌های انسانی

یمینی شریف نقش‌های انسانی را به حیوانات نیز نسبت می‌دهد و برای سرودن درباره حیوانات از این نقش‌ها بهره می‌گیرد. برای نمونه، در اشعار او همیشه خروس نقش پدر و رئیس خانواده را دارد:

| | |
|------------------|---------------------|
| «من رئیس خانم‌ام | دشمن بیگانه‌ام |
| مرغ‌های من تمام | خوب و خوشگل هر کدام |

جوجه‌های من قشنگ هر یکی یک گونه رنگ» (یمینی شریف، ۱۳۲۴، ۴۵).

یکی از موارد اختلاف اساسی تفکر هیوز و یمینی شریف در همین نوع توصیف است. هیوز به انسان‌ها شخصیت حیوانی می‌دهد و یمینی شریف به حیوان‌ها شخصیت انسانی. در این مورد، پیش‌تر در بخش تحلیل اشعار هیوز، به طور مفصل، صحبت شده است.

۴-۴- دعوت به دوستی با حیوانات و رفع ترس‌های کودکان

یمینی شریف در مقدمه کتاب نیم قرن در باغ شعر کودکان می‌گوید: «زمانی که می‌خواستم برای جلب ترحم و محبت بچه‌ها به حیوانات و بیان ظلم و ستمی که انسان‌ها به خصوص، بچه‌های کوچک، به حیوانات می‌کنند همچنین مطرح کردن روابط اجتماعی ستمکار و ستم‌کش و بهره‌کشی‌های ظالمانه اشعاری بسازم این شعرها را ساختم:

| | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| الغه می‌گه: یک‌ودو یک‌ودو | قیمت جان شده جو |
| اسبه می‌گه: دندان من شمرده‌اند | سرم شدند خوب سوار» (یمینی شریف، |
| ۱۳۶۹، ۲۶ و ۲۷). | |

او از حیوانات خانگی به شیوه‌ای سخن می‌گوید که ترس کودکان از این حیوانات برطرف شود:

| | |
|-------------------|--------------------------------|
| «می‌زنه پیشی بانو | با خرخرش پیانو |
| این گریه آتیشپاره | هر کارش خنده داره» (همان، ۵۹). |

۴-۵- آموزش دادن به کودکان و آشنا کردن آن‌ها با زندگی حقیقی حیوانات

یمینی شریف در برخی از اشعارش با موضوع حیوانات هدفی جز آموزش به کودکان و بالابردن اطلاعات عمومی آنان درباره‌ی نحوه‌ی زیست حیوانات ندارد. در این اشعار، او حتی زبان و آهنگ و عاطفه شعر را نیز فدای این هدف می‌کند. برای مثال، در شعری با عنوان «چلچله آمده»، از چگونگی لانه ساختن چلچله‌ها و نوع غذا و نحوه‌ی کوچشان سخن می‌گوید:

| | |
|-------------------------|---------------------------|
| «هر اطاقی که پسندد آنجا | زیر سقش کند او لانه بنا |
| نر و ماده کمک یک‌دگرند | هر دوشان از دل هم باخبرند |

دم به دم روی نهد مادرشان
چلچله هست در اینجا دو سه ماه
تند و چابک به شکار مگسان
می‌گذارد پس از آن روی به راه
رود و سال دگر باز آید
به سوی لانه به پرواز آید» (یمینی شریف،
۱۳۵۰، ۲۴).

یا در شعری دیگر با عنوان «لک‌لک‌ها برگشته‌اند» هدفش آشنا کردن کودکان با زندگی لک‌لک‌هاست:

«بر روی بادکش‌ها
سازد چه ماهرانه
جای بلند و بالا
با چوب و کاه لانه
گاهی به روی یک پا
می‌ایستد در آنجا
یک قورباغه یا مار
آویخته به منقار» (همان، ۲۵).

یمینی شریف می‌گوید: «گاهی دیده می‌شد و هنوز هم دیده می‌شود که در محیط‌های کثیف بچه‌ها با مگس سازگار شده و مگس‌هایی را که روی لب، کنار چشم و زیر سوراخ بینی او می‌نشیند، تحمل می‌کند. حتی آنها را نمی‌پراند و مگس‌ها هم به تغذیه در جاهای مناسبی که گیر آورده‌اند، مشغول‌اند. چه زبانی مناسب‌تر از این شعر بود که در ستون بهداشتی مجله زیر تصویر مگس بزرگ درج شد؟ مگس می‌گه:

خاکروبه‌ها جای منه
تخم هزار ناخوشی
کثافت اعضای منه
چسبیده بر پای منه» (یمینی شریف، ۱۳۶۹، ۳۰).

۴-۶- حیوانات در شعر نوجوان

شعرهای نوجوان یمینی شریف کمی جدی‌تر هستند؛ یا می‌خواهند اطلاعاتی واقعی درباره حیوانات به نوجوان بدهند یا درسی اخلاقی؛ شعر «باز و گنجشک» یکی از این نمونه‌هاست که شاعر با زبانی فخیم و خشک در شعری بلند، با بیان تفاوت باز و گنجشک هنگام اسارت در قفس، به دنبال القای آموزه‌ای اخلاقی به نوجوان است:

«باز گویند چو افتاد به دام
ندهد قوت بازو به هدر
دل نمی‌بازد و گیرد آرام
تا شود صاحب بی‌هوشش خام

| | |
|-------------------------|------------------------------------|
| خوب اطراف چو غافل گشتند | آسمان را کند آسوده مقام |
| لیک گنجشک سبک مغز ضعیف | چون به دام افتد گیرد سرسام |
| یا کند گربه شکارش ناگاه | یا دهد کارش باز انجام |
| مرد بی تجربه‌ی ناپخته | همچو گنجشک پرد بی هنگام |
| مرد هشیار گرفتار چو باز | نکند بر ضرر خویش قیام» (یمنی شریف، |

۱۳۵۲، ۳۰ و ۳۱).

در شعر دیگری به نام «دنیاهای یک پرنده» به تصورات جوجه، قبل و بعد از دنیا آمدن می‌پردازد و در نهایت در بیت آخر به عجز مقابل فلسفه خلقت اشاره می‌کند:

| | |
|--------------------------------|-----------------------------------|
| «نهادم در میان لانه چون پا | نگه کردم به چشم خویش هر جا |
| گمان بردم که عالم لانه ماست | در آن یک خانواریم و همان ما |
| ندانستم پس از آن این جهان چیست | نه غیر از من کسی می‌داند این راز» |

(همان، ۴۰).

اما همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد مباحث فلسفی که هیوز مخصوصاً برای نوجوانان مطرح می‌کند عمیق‌تر هستند. یمنی شریف به صورتی سطحی و گذرا به مسائلی نظیر عجز در برابر فلسفه خلقت اشاره کرده است اما «هیوز با ظرافت تمام در اشعارش چهره‌های فیلسوفانه‌ای از حیوانات می‌سازد» (یودی، ۲۰۰۷، ۹۷).

۵- نتیجه

عباس یمنی شریف و تد هیوز هر دو در محیطی روستایی کار و زندگی کرده‌اند و این نزدیکی با طبیعت در آثارشان تأثیرات آشکاری گذاشته است به طوری که ما امروز آن‌ها را با عنوان شاعران طبیعت و حیوانات می‌شناسیم. در آثار این دو شاعر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دیده می‌شود؛ هر دو گاهی برای توصیف حیوانات از زبان خود آن‌ها سخن می‌گویند اما تفاوت اینجاست که در اشعار هیوز چنین به نظر می‌رسد که خود حیوانات زبان باز کرده‌اند و موجوداتی زنده و دارای حس و شعورند. او می‌کوشد مثل حیوانات بیندیشد و از زاویه دید آن‌ها می‌سراید؛ اما در آثار یمنی شریف وقتی حیوانات خودشان را توصیف می‌کنند مثل این است که یک انسان صحبت و خود را معرفی می‌کند. یمنی شریف به حیوانات شخصیتی

انسانی می‌دهد ولی هیوز انسان‌ها را به صورت حیوانات در نظر می‌گیرد؛ در واقع هیوز کلیشه‌ها را می‌شکند او از اینکه در آثارش از فرم و نُرم خارج شود ابایی ندارد و به هر صورتی به دنبال ابداع و نوآوری است، شاید این تفاوت به تفاوت‌های فرهنگی دو سرزمین نیز بازگردد چرا که در فرهنگ و باور ایرانی شأن انسان از حیوان بالاتر است و برای تحقیر یک انسان، خصلتی حیوانی را به او نسبت می‌دهند یا او را به حیوانی تشبیه می‌کنند اما به نظر می‌رسد که این باور در فرهنگی که هیوز در آن رشد کرده وجود ندارد یا اگر هست هیوز به آن بی‌اعتنایی کرده و کلیشه‌ها را شکسته است تا بتواند جایگاه حیوانات را در نظر انسان‌ها بالاتر ببرد. هیوز حیوانات را بسیار باشکوه توصیف می‌کند. او در نوجوانی به شکار می‌رفت و دهکده‌ای که در آن ساکن بود طبیعتی بکر داشت و به کوهستان و جنگل نزدیک بود بنابراین، می‌بینیم که در آثارش حیوانات وحشی همپای حیوانات اهلی حضور دارند. هیوز همواره به ریشه و وحشی حیواناتی که اهلی شده‌اند مثل گربه نیز توجه می‌کند، همچنین او می‌خواهد خوانندگانش را با حقیقت دنیای حیوانات آشنا کند و علاوه بر زیبایی و همزیستی‌شان با انسان‌ها خوشونتشان را نیز به تصویر می‌کشد در همین راستا او همچنین از حیوانات قطبی و موجودات دریایی نیز در دو کتاب جداگانه سخن می‌گوید؛ یمینی شریف اما فقط به توصیف حیوانات اهلی و پرندگان و حشرات می‌پردازد. در واقع او که در روستا زندگی و کار کرده است اغلب دربارهٔ مشاهدات خود از حیوانات مزرعه و حیوانات اهلی و آن حیواناتی می‌گوید که در قلمرو زندگی انسان‌ها گاه و بی‌گاه دیده می‌شوند مثل لک‌لک و چلچله و پرندگان شکاری. این دو شاعر می‌خواهند خوانندگانشان را به طبیعت بازگردانند و به دوستی با حیوانات تشویق کنند در اصل هردو در پی آشتی انسان مدرن با طبیعت هستند؛ هیوز در کتاب حقیقت چیست؟ به دنبال برقراری یک وحدت مقدس بین انسان و حیوان و طبیعت است؛ نوعی باور شبه‌مسیحی به تکریم همهٔ موجودات زنده. شعر طبیعت او از اساس با مسئلهٔ بیگانگی انسان مدرن با طبیعت سروکار دارد. اشعار او همچنین کوششی برای وحدت‌بخشی دوبارهٔ انسان و طبیعت است. در نظر هیوز، انسان مدرن از جهان احساساتش و تخیل و غرایز فطری که منطبق با طبیعت است دور مانده است. او از حیوانات برای بیان دیدگاهش در خصوص روحانیت دیرپای طبیعت استفاده می‌کند و از طریق تخیل حیوانی می‌خواهد نیروی فطری طبیعت را تعالی دهد، نیرویی که فقدانش را در جامعهٔ بشری دریافته است. یمینی شریف این قدرت جادویی و روحانی را برای طبیعت و حیوانات قایل نیست اما به شیوهٔ خود می‌کوشد که بین کودکان و حیوانات دوستی برقرار کند او با زبان و بیانی ساده به کودکان

یادآوری می‌کند که نباید به موجودات زنده آزار برسانند؛ همچنین این دو شاعر حیوانات وحشی و خانگی را به منظور رفع ترس‌ها و دغدغه‌های کودکان به آنان معرفی می‌کنند. هیوز در بخشی از اشعارش با موضوع حیوانات هدفی جز توصیف حقیقی وجود آن حیوان ندارد. او از حیوانات فقط به دلیل بازنمایی احساسات و وضع انسانی استفاده نمی‌کند، بلکه وجود خود آنها نیز مد نظرش هستند در واقع می‌توان گفت که حیوانات او سمبلیک نیستند، این شیوه هیوز به نوعی مخالفت با سنت رمانتیک است، او می‌خواهد به روش خود، خوانندگان را با واقعیات جهان حیوانات روبه‌رو کند. هیوز گاهی یک حیوان را بارها و بارها از منظرهای مختلف می‌نگرد. این نکته نیز یکی از تفاوت‌های هیوز و یمینی شریف در توصیف حیوانات است؛ یمینی شریف برخلاف هیوز به توصیف وجود حقیقی حیوانات نمی‌پردازد، بلکه از شخصیت‌های کلیشه‌ای حیوانات در ادبیات عامه و کلاسیک ایران و جهان بهره می‌برد یا حیوانات را در ارتباط با زندگی انسان‌ها توصیف می‌کند و توجه چندانی به جزئیات وجود آنان ندارد.

۸- منابع

- انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»، ادبیات تطبیقی (ویژه نامه فرهنگستان)، ش ۱.
- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۹). «فراز و فرودهای شعر یمینی شریف». شعر. شماره ۶۹.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۷). از این باغ شرقی، چاپ دوم، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- سیدی، سیدحسین (۱۳۹۰). «درآمدی توصیفی - تحلیلی بر ماهیت و چیستی ادبیات تطبیقی»، فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی، ش ۳.
- شرکت‌مقدم، صدیقه (۱۳۸۸)، «مکتب‌های ادبیات تطبیقی»، مطالعات ادبیات تطبیقی، ش ۱۲.
- عطایی، فرشید (۱۳۸۰). «بازخوانی شعری از تدهیوز». گلستانه. شماره ۳۴.
- قاسمی، ضیاء (۱۳۷۹). «تد هیوز و یک کابوس شخصی»، گلستانه، ش ۲۲ و ۲۳.
- هیوز، تد (۱۳۸۵). با قوم و خویش‌های من آشنا شوید، ترجمه روحی افسر. تهران: کلاغ سپید.
- یمینی شریف، عباس (۱۳۲۴). آواز فرشتگان. تهران: امیرکبیر، کتاب‌های طلایی ۱۳.
- _____ (۱۳۵۰). گل‌های گویا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

_____ (۱۳۵۲). باغ نغمه‌ها. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

_____ (۱۳۶۹). نیم قرن در باغ شعر کودکان. چاپ چهارم. تهران: روش نو.

_____ (۱۳۸۷)، آواز سوسک. چاپ اول. تهران: روش نو.

Hughes, Ted(1967). *Poetry Is*. New York: Doubleday and Company.

_____ (1976). *Season songs*. London: Faber and Faber.

_____ (1978). *Moon-bells and other poems*. London: Chatto & Windus.

_____ (1981). *Under the north star*. London: Faber & Faber.

_____ (1984). *What is the truth?*. London: Faber & Faber.

_____ (1995a). "The art of poetry" Interview with ted Hughes, by Drue Heinz in *The Paris review*, Vol 37, No. 134, Spring. www.theparisreview.org/interviews/1669/the-art-of-poetry-no-71-ted-hughes. [Accessed 6 Nov 2015].

_____ (1995b). *The iron wolf*. London: Faber & Faber.

_____ (2010). *New and collected poems 1957-1994*. London: Faber & Faber.

Lockwood, Michael(2009)."Ted Hughes: The development of a children's poet", *Children's Literature in Education*, Vol. 40, p296-305.

Shekhawat, Anupama(2012)."The cohesive use of animal imagery in the poems of ted Hughes", *IRWLE*, VOL. 8, No. I.

Styles, Morag(1999),"Ted Hughes 1930-1998", *Books for keeps(The children books magazine online)*, No.114 ,January. <http://booksforkeeps.co.uk/issue/114/childrens-books/articles/other-articles/ted-hughes-1930-1998> [Accessed 2015/12/20].

Yudi, li(2007)." The relationship between man and animal in ted Hughes' poems", *Canadian Social Science*, Vol.3 ,No.1, February .